

مقاله پژوهشی

## بازجست ماهیت جدل احسن فنّ مناظره در مقامات حمیدی و آموزش غیرمستقیم سیره عملی زندگی و نمود مستمر تربیتی آن

فضل الله رضایی اردانی<sup>۱\*</sup>، مهدی صادقی<sup>۱</sup>، مهدیه پیری اردکانی<sup>۲</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

۲- دبیر ادبیات آموزش و پرورش و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۲۱۳-۱۹۹

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7469>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی  
(بهار ادب سابق)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** ماهیت جدلی مناظره، آموزش غیرمستقیم است که به دلیل شیوه خاص بیان و افزایش استدلال و تمثیل، همیشه در اذهان باقی میماند.  
**روش مطالعه:** این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استنباطی به بررسی جایگاه فنّ مناظره در مقامات حمیدی و آموزش غیرمستقیم آن در مسائل زندگی میپردازد.  
**یافته‌ها:** قاضی حمیدالدین بلخی، آگاهانه از این روش بهره گرفته تا به وسیله آن، به بیان مسائل اخلاقی، علمی، مذهبی و... بپردازد. مناظرات مقامات حمیدی، چشمگیری تقابل بین دو یا چند شخصیت است؛ نویسنده با شگرد و ابزارهای سخنوری میکوشد به جای توصیف کردن شخصیتها و درازدانی سخن، آنها را با گفتار و کردارشان به مخاطب بشناساند.  
**نتیجه‌گیری:** طریقه نویسنده در بیان مناظره بر پربراری، استواری و گوارندگی لفظ و نازکی معنی است و در ابداع اندیشه و تعبیر آن دقتی خاص به کار میبرد به طوری که هر عبارت مناظره در قاب آرایش کلامی با هم ربط پیدا میکنند و لطف و مناسبت لفظی کلام به سمت مناسبت مسائل زندگی سیر میکند و در مسیر تربیت مخاطب گام برمیدارد.

تاریخ دریافت: ۱۹ آبان ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۰ آذر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ بهمن ۱۴۰۲

### کلمات کلیدی:

مناظره، آموزش غیرمستقیم، زندگی، تربیت، مقامات حمیدی.

\* نویسنده مسئول:

[rezaei.ardani@cfu.ac.ir](mailto:rezaei.ardani@cfu.ac.ir)

۳۱۳۸۲۲۱۰ (۹۸ ۳۵)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Searching for the nature of debate, the best art of debate in Hamidi officials and indirect teaching of the practical course of life and its continuous form of education.

F. Rezaei Ardani\*, M. Sadeghi, M. Piri Ardakani

1- Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

2- The secretary of education literature and PhD student of Persian language and literature, Faculty of Language and Literature, Yazd University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 10 November 2023

Reviewed: 11 December 2023

Revised: 26 December 2023

Accepted: 10 February 2024

KEYWORDS

debate, indirect education, life, education, Hamidi authorities.

\*Corresponding Author

✉ [rezaei.ardani@cfu.ac.ir](mailto:rezaei.ardani@cfu.ac.ir)

☎ (+98 35) 31382210

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** The polemical nature of the debate is an indirect education that always remains in the mind due to the special way of expression and the increase of arguments and metaphors.

**METHODOLOGY:** This research investigates the place of debate technique in Hamidi officials and its indirect training in life issues with descriptive-analytical and testimonial method.

**FINDINGS:** Judge Hamiduddin Balkhi consciously used this method to express moral, scientific, religious issues, etc. The debates of the Hamid officials are a reflection of the confrontation between two or more characters; Instead of describing the characters and the length of the speech, the author tries to introduce them to the audience with their words and actions.

**CONCLUSION:** The author's method in expressing the debate is about the fruitfulness, firmness and digestibility of words and the thinness of the meaning, and he uses a special precision in inventing the thought and its interpretation so that every phrase of the debate is related to each other in the frame of the verbal arrangement, and the grace and appropriateness of the words The speech moves towards the relevance of life issues and takes a step in the direction of educating the audience.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7469>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 2	 1

## مقدمه

### بیان مسأله و ضرورت تحقیق

مناظره، یکی از شیوه‌های بیان هنرمندانه است که تأثیر مهمی در امر آموزش مسایل مختلف دارد؛ این فنّ یکی از انواع ادبی فرعی و نیز از قالب‌های شعر و نثر است که در ادبیات فارسی، سابقه طولانی دارد. پیشینه این نوع ادبی به ایران پیش از اسلام میرسد. مناظره «درخت آسوریک با بُز»، نخستین مناظره شناخته شده در ادبیات ایران پیش از اسلام است. مبتکر این شیوه را، اسدی توسی، شاعر قرن پنجم، دانسته‌اند که با سرودن چهار قصیده در مناظره «زمین و آسمان»، «گبر و مسلمان»، «قوس و رمح» و «شب و روز» به طور جدّی در این زمینه طبع آزمایی کرده است (محمدی‌بدر، ۱۳۹۵). مناظره بر اساس گفتگو بین دو یا چند شخصیت، درباره موضوعی شکل میگیرد که در آن، هریک از طرفین تلاش میکند با آوردن دلیل و برهان، ادعای خود را برای مخاطب خود اثبات کند اما موضوع مناظرات متفاوت است و ممکن است یک مناظره با موضوع علمی و با موضوع فلسفی، اخلاقی، مذهبی و... باشد. اگرچه غالباً از مناظره در شعر سخن گفته‌اند، اما نمونه‌های موفق و کاملی از مناظره در نثر فارسی هم میتوان دید. یکی از این آثار منثور فارسی، کتاب مقامات حمیدی تألیف قاضی حمیدالدین بلخی است. حمیدی در چند مقامه، بین دو یا چند شخصیت (انسان، گله‌ها) مناظره‌ای شکل داده و از این روش، برای اهداف خاصی بهره برده است تا خواننده کتاب، شخصیتها را با توجه به کلام آنها بشناسد. او در این مناظرات، از آرایه‌ها و شیوه‌های ادبی استفاده کرده تا نتیجه این مناظرات، بیشتر بر مخاطب تأثیر بگذارد و نیز در ذهن او برای همیشه باقی بماند. با توجه به این مقدمه ضرورت دارد تا نمود فنّ مناظره و آثار اخلاقی آن در زندگی مورد بررسی قرار گیرد.

### روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به بررسی شیوه جدل احسن فنّ مناظره در کتاب مقامات حمیدی و نمود تربیتی آن در سیره عملی زندگی انجام شده است.

### پیشینه تحقیق

در زمینه مناظره به عنوان یکی از شیوه‌های آموزش مطلب، تحقیقات زیادی صورت گرفته است که برخی از مهمترین آنها اشاره میشود. مقاله‌ای با عنوان «شیوه آموزشی مناظره در قرآن و سنت» (۱۳۸۹) از محبوب مهدویان که شیوه مؤثر مناظره را در تبیین و تفهیم مبانی عالی دینی و عملی ترسیم کرده است. نصرالله پورجوادی در بخش دوم کتاب «زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی» (۱۳۸۵) به بررسی مناظره‌های موجود در ادبیات پارسی پرداخته و آنها را از جهت شخصیتهای شرکت‌کننده در مناظره، به دسته‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده است. حسن دادخواه و لیلیا جمشیدی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی» (۱۳۸۶) به بررسی عنصر گفتگو در کلام این دو مقامه‌نویس پرداخته‌اند. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی طرح‌روایی مناظره در الهی‌نامه» (۱۳۹۵) از قدسیه رضوانیان و امیرحسین بهمنی که مناظره را بهترین روش برای گسترش سخن معرفی کرده‌اند. نجمه نظری در مقاله‌ای با عنوان «هنر مناظره در غزل سعدی» (۱۳۹۶) بر این باور است که مناظره‌ها ساختار دقیق و مشخصی دارند، با مقدمه‌ای شروع میشوند، سپس طرفین به گفتگو میپردازند و سرانجام پیکار با داوری نفر سوم، به پایان میرسد. از آنجایی که در کتاب «زبان حال

عرفان و ادبیات پارسی»، تنها به معرفی مناظرات موجود در کتاب مقامات حمیدی پرداخته شده و در مقاله «بررسی تطبیقی عنصر گفت‌وگو در مقامات حریری و حمیدی» نیز، به تحلیل گفتگوهای این کتاب - خارج از بحث مناظره - اشاره شده و درباره فنّ مناظره در کتاب مقامات حمیدی، تحقیق جامعی صورت نگرفته است. این پژوهش قصد دارد مناظرات موجود در این کتاب را مورد بررسی قرار دهد چرا که بررسی و تحلیل این مناظرات و کشف ظرافت‌های زبانی و ادبی آنها می‌تواند ما را در شناخت بهتر و عمیق‌تر از قدرت نویسندگی صاحب مقامات یاری دهد و از طرفی جلوه‌های درست تربیتی مناظره را که در بین دانشجویان رنگ خاصی دارد، نمایان سازد.

## مبانی نظری

### مناظره و انواع آن

مناظره در لغت به معنای «مجادله و نزاع با همدیگر و بحث با یکدیگر در حقیقت و ماهیت چیزی» است. (ن.ک. دهخدا، ج ۱۴: ۲۱۵۶۳)؛ مناظره آن است که «شاعر یا نویسنده دو طرف را برابر هم قرار دهد و آنها را بر سر موضوعی به گفتگو وادار کند و در پایان یکی را بر دیگری مغلوب گرداند» (داد، ۱۳۸۵: ۴۵۰). بر سر این موضوع که مناظره یکی از انواع ادبی است و یا قالب و شکل ادبی، اختلاف است. شمیسا، مناظره را از فروع ادبیات حماسی و ریشه ایرانی (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۳۰) و دکتر صفا آن را از فروع علم منطق میداند (ن.ک. صفا، ۱۳۷۱، ج ۳/۱: ۲۴۶). عده دیگری از پژوهشگران نیز مناظره را نوع ادبی ندانسته و آن را قالب یا شکل ادبی به شمار آورده‌اند (داد، ۱۳۸۵: ۴۵۳). مناظره را میتوان جدا از اینکه در قالب شعر باشد یا در قالب نثر، از جهت شکل، محتوا، طرفین مناظره، نوع و ماهیت شخصیتها و نیز بر اساس شیوه رویارویی طرفین تقسیم‌بندی کرد. مناظره از جهت شکل میتواند سنتی یا نو و از حیث محتوا میتواند عاشقانه، تعلیمی، اجتماعی، فلسفی و... باشد. بر اساس طرفین مناظره، میتوان آن را به چهار دسته مناظره فرد با فرد، فرد با جمع، جمع با جمع و فرد با خود تقسیم کرد. همچنین مناظره از جهت ماهیت شخصیتها میتواند تمثیلی، نمادین و یا واقعی باشد. بر اساس شیوه رویارویی طرفین، مناظره میتواند شیوه تناظر و تقابل داشته باشد و یا روش تعامل و تفاهم (روزبه، ۱۳۹۲). پس مناظره «به نوعی با یکدیگر حجت آوردن است و در اصطلاح آن است که شاعر از زبان چند چیز در قالب گفتگو و مقام مناظره، سخنی چند بیاورد» (واعظی کاشفی، ۱۳۶۹: ۳۷).

### فواید مناظره

شاعران و نویسندگان با بهره‌گیری مناظره، درصدد اثبات نتیجه‌ای هستند؛ این نتیجه میتواند علمی، فلسفی، اخلاقی و... باشد. بنابراین یکی از فواید مناظره تأثیر آموزشی آن است. اهمیت و ارزش آموزش‌های روش مناظره در این است که اولاً نتیجه بحث و استدلال است که باعث ماندگاری در ذهن میشود ثانیاً به دلیل غیرمستقیم بودن آن، پذیرفتنی و جذابتر است و محاسن و معایب موضوع مورد بحث آشکار میشود و امکان توسعه و تکامل آن فراهم می‌آید که در نهایت، ذهن انسان از طریق چنین مناظره‌ای ورزیده میشود و روح آدمی نیرومند میگردد (احمد، ۱۳۸۴: ۵۵۱-۵۴۷).

### بحث

#### جلوه‌های مناظره در مقامات حمیدی

در مقامات حمیدی، چهار مقامه حاوی شیوه مناظره است. مقامه دوم: فی الشیب والشباب، مقامه چهارم: فی الربیع، مقامه نهم: فی المناظره بین السنی والملحد، مقامه بیستم: بین الطیب والمنجم که در ادامه به بررسی آنها

پرداخته میشود. البته در این مجموعه، گفتگوهای همراه با سوال و جواب هم وجود دارد که نمیتوان آنها را جزو مناظره دانست زیرا بین مناظره و سوال و جواب تفاوت اساسی وجود دارد. بدین ترتیب که در روش پرسش و پاسخ، انگیزه برتری جویی یکی بر دیگری وجود ندارد و همراه با برشمردن عیوب طرف مقابل نیست و همچنین پرسشگر قصد ندارد که میزان سواد و دانش طرف مقابل را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد.

### شخصیتهای مناظره

در مناظره، گفتگو معمولاً بین دو یا چند عنصر مخالف و متضاد است که روبروی همدیگر قرار میگیرند و هر یک از آنها تلاش میکند که برتری و فضیلت خود را اثبات کند و عیوب طرف دیگر را برشمارد و او را از جواب دادن عاجز کند. شاعران و نویسندگان در دوره‌های مختلف، در مناظرات از شخصیتهای متنوع و گوناگونی برای تأثیرگذاری بیشتر و بیان اهداف اخلاقی، انتقادی و... بهره گرفته‌اند. این شخصیتهای میتوانند انسان، حیوان، گیاه، شیء یا هر چیز دیگری باشد که در آن دوطرف یا چند طرف با یکدیگر به گفتگو میپردازند به همین جهت «شخصیتهای مقامات حمیدی در طیف شخصیت ساده جای دارند؛ زیرا خواننده به محض ورود میتواند آنها را بشناسد» (دادخواه، ۱۳۸۶). در مقامه دوم، نهم و بیستم، طرفین مناظره شخصیتهای خیالی هستند که با همدیگر به مجادله میپردازند. در مقامه دوم، پیرمرد و جوان حضور دارند، در مقامه نهم دو فرد که یکی سنی و دیگری ملحد است و در مقامه بیستم دو فرد که یکی منجم است و دیگری طبیب. در مقامه چهارم، شخصیتهای مناظره، گیاهان و گلها هستند که دو به دو باهم حضور دارند و یکی خود را نسبت به دیگری ارجح و برتر میداند. هرچند که گاهی این پرسش و پاسخها در جمع صورت میگیرد اما به نظر میرسد که جز دو طرف مناظره‌کننده، سایرین فقط نظاره‌گر هستند و حرفی نمی‌زنند؛ به طوری که گاه خواننده حضور آنها را فراموش میکند.

### موضوع مناظره

سخنوران و نویسندگان با استفاده از روش مناظره و قراردادن دو عنصر مخالف روبروی یکدیگر، بهره میگیرند تا بتوانند به بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود بپردازند و حتی تا جایی که امکان‌پذیر باشد، اندیشه خود را بر نظرات دیگر برتری دهند از همین رو مناظره «گفتگویی دو طرفه است که هر یک با استدلال سعی میکند برتری خویش را بر دیگری به اثبات برساند» (حسینی میرصفی، ۱۳۸۴: ۲۲). با توجه به این موضوع، اندیشه‌ها و انگیزه‌های نویسندگان و شاعران فراوان است و مناظرات نیز از حیث موضوع، دارای جنبه‌های گوناگون و متنوعی هستند. در چهار مقامه حاوی مناظره، موضوعات متفاوت است و حمیدی از هر مناظره، برداشتی خاص کرده است؛ مقامه دوم که مناظره‌ای بین جوان و پیر است که هرکدام از آنها خود را نسبت به دیگری برتر میداند و توقع احترام از طرف مقابل دارد. میتوان گفت موضوع این مقامه، اخلاقی است؛ یعنی ترک غرور و خودبزرگ‌بینی و همچنین لزوم احترام به طرف مقابل. «پیر گفت: ای جوان! پیران را حرمت دار تا ثمرات جوانی بیایی و با بزرگان بساز تا در دولت زندگانی بیایی. با پیران پیشی مجوی که پایمال گردی ..... [جوان گفت]: بدان که نه پیری مجرد، علت توقیر است و نه جوانی موجب ذلت تحقیر. صورت پیری موجب تقدیم نیست و عین بزرگی سبب تعظیم نه» (بلخی، ۱۳۹۵: ۳۳). مقامه چهارم که درباره فصل بهار است و گلها در آن به بیان حسن خود و عیب جویی از طرف مقابل میپردازند، بیشتر حالت توصیفی و تعلیمی دارد. حمیدی از قول شخص پیری به وصف گلهای بهاری می‌پردازد. پیر با استفاده از این توصیفات و همچنین اشاره به فصل خزان که باعث از بین رفتن گلها میشود، به

نتیجه دلخواه خود میرسد که همانا عبرت گرفتن از روزگار است. او همچنین می‌خواهد آدمیان را متوجه این موضوع کند که آفریننده همه پدیده‌ها خداست. در مقامه نهم که مناظره بین سنی و ملحد است، موضوع مناظره مذهبی است؛ پورجوادی در کتاب «زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی» این مناظره را پیکاری میان انسان عقل‌گرا و نقل‌گرا میدانند و احتمال داده است که عنوان این مقامه از حمیدی نباشد، زیرا هر دو طرف مناظره مسلمان هستند و به آیات قرآن استناد میکنند (پورجوادی، ۱۳۸۵: ۶۳۳). در این مقامه پیر بلغاری مظهر عقل‌گرایی است و پیر کوهساری که ملحد خوانده شده، مظهر نقل‌گرایی و قشریگری است. «شیخ کوهساری گفت: ایها الشیخ بَمَ تَعْرِفُ رَبَّکَ؟ خدای تعالی را به چه شناسی و خالق باری تعالی را به چه خوانی؟ پیر [بلغاری] گفت: این سوال نکیر و منکر است نه سوال چون تو پیر» (بلخی، ۱۳۹۵: ۹۷). در ادامه پیر کوهساری از عقل‌گرایی پیر بلغاری انتقاد میکند و می‌گوید: «اگر به عقل کوتاه‌بین غلط‌اندیش من و تو کارها دوام گرفتی و نظام پذیرفتی، بیعت رسل و دعوت انبیا حاجت نبودی و ارشاد علما در بستگی نیفزودی و در این قاعده که تو وضع میکنی، محو نبوت و حرق رسالت است» (همان: ۹۹). در مقامه بیستم که میان دو دانشمند علم نجوم و طب روی میدهد، حمیدی تلاش دارد تا فواید این دو علم را بازگو کند. طبیب، فردی اهل کرمان است و منجم شخصی از یونان. در ابتدا منجم، علم طب را تحقیر میکند و خطاب به طبیب می‌گوید: «ایها الشیخ به وسیلت این گیاهی چند و سپید و سیاهی چند خود را از جمله علما نتوان شناخت و از زمره فضلا نتوان ساخت و در فرقه حکما نتوان آورد و در سلک اطبا نتوان کشید» (همان: ۱۸۱). او در ادامه علم ستاره‌شناسی را بر طب برتری میدهد و می‌گوید: «ای شیخ، تو ندانسته‌ای که رکن اعظم و غروره احکم و شرط اهم و مقدمه اتم در باب طبیبی، معرفت نجوم است و لابد همه علوم است» (همان: ۱۸۲). وقتی سخنان منجم یونانی به اتمام میرسد، طبیب کرمانی برای میخیزد و سخنان او را بیهوده و نوعی هذیان میدانند و به او می‌گوید بهتر از شناختن افلاک، شناختن نفس آدمی است «به تو نزدیکتر از افلاک، افلاک و اجرامی است و از آن معمورتر عالمی است که آن را صغری خوانند و فلکی است که آن را فلک ادنی خوانند و «و فی أنفسکم أفلا تبصرون» که این ترکیب از آن با ترتیبتر است و این نهاد از آن بریست و گشادتر» (همان: ۱۸۵). با مطالعه این مقامات، خواننده درمی‌یابد که نویسنده دچار اطناب شده و همچنین خواسته است تا توانایی خود را در زمینه نویسندگی نشان دهد؛ زیرا در چند جای این مقامات، بیش از یک یا دو صفحه به نقل سخنان یک شخصیت اختصاص داده شده و بیشتر حالت توصیفی پیدا کرده است. گاهی نیز نویسنده بی‌مقدمه وارد بحث میشود تا خود خواننده در کشاکش مناظره و کلام، در تأمل رویدادها برود. شاعر در فضا سازی مناظره شخصیتها، مسائل زندگی را غالباً به کمک گفتگوی دو شخصیت توجیه میکند و مبانی تربیتی و نتایج آن را نیز در قالب تلمیحات و تمثیلات بدیع با الفاظ و تعبیرات پربار و استوار در قاب مناظره به تصویر میکشد که همین اتکا به آموزش غیرمستقیم شیوه زندگی به سخن او تأثیر و قوت بیشتری میبخشد. گاهی جمله‌های مناظره دارای آهنگ خیزان و افتان هستند و کلمات بیشتر برای آموزش مسائل زندگی خودنمایی میکنند و نویسنده با تراش دادگی واژه (افلاک و اجرام) و ایجاد رابطه تناسب همراه با ابزار مناظره، درصد تقویت کلام تربیتی است چرا که «هدف اصلی مناظره، رسیدن به حقیقت یک امر است» (حجتی، ۱۳۸۷: ۵۴۷). به تعبیری، قلمرو فکری گفته‌های مناظره بر روی محور تربیت (شناسان نفس آدمی) دور میزند در حالی که دل نویسنده مطبخی از آه و سوز درون است، با ایجاد زیور ادبی تضاد (سپید و سیاهی) و مقایسه مفهومی دو علم (نجوم و طب)، این محور فکری را به خواننده القاء میکند که این امر «نشانگر توانایی مناظره در تبیین و تفهیم مبانی عالی دینی و عملی زندگی است» (مهدویان، ۱۳۸۹).

### لحن گفتگوی شخصیت‌های مناظره

لحن طرفین گفتگوها میتواند توأم با احترام و یا با الفاظ خارج از اصول حاکم بر مناظره و یا با لحن گستاخانه باشد. در مناظرات مورد بررسی، لحن شخصیت‌ها با گستاخی همراه است و هریک از طرفین با به کار بردن الفاظ مختلف، دیگری را تحقیر و سرزنش میکند و از به کار بردن حرف‌های ناپسند ابایی ندارد اما با توجه به آنکه «از طریق گفتگوها، داستان عینیت پیدا میکند و پندار واقعیت را در خواننده ایجاد میکند» (نوبل، ۱۳۷۷: ۱۹۹)، محصول جدول ضرب خانواده کلمات در لحن گفتگوی شخصیت‌های مناظره، منجر به نوعی تردستی در سبک آموزش غیرمستقیم مسائل زندگی میگردد تا به مخاطب پیامی را که سراپا تربیت است، بی‌آنکه نیازی به میانجی و پیام‌رسان داشته باشد، بر دلش بنشاند و وی را از این کار برحذر دارد. نویسنده با این شگرد درصدد است تا پیام هنری کلام را در شکل غیرمستقیم بیان کند و در خاطر مشتاق خواننده تأثیر شگرف به جای گذارد و از جدال غیراحسن، محصول و نتیجه جدال احسن برای مخاطب نمودار سازد.

مقامه فی الشیب والشباب: «جوان سربر آورد و گفت: ای پیر شخاذ و ای قلاب استاذ، ای همه زبان، لختی گوش باش و چون همه گفتی، ساعتی خاموش باش ..... [پیر] گفت: ای جوان گزافگوی لافجوی، الشّبابُ داءٌ ذویٌّ و الصّبیُّ صبیٌّ و إنّ لقیّ النّبیّ» (همان: ۳۳-۳۴). مقامه فی الربیع: «چنار با بید به وقت مجارات به زبان مبارات میگوید که مناز و سر مفرز که سر تو تا قدم ما پیش نرسد و شاخ تو تا شکم ما پیش نکشد ... سوسن آزاد با بلبل استاد میگوید: ای مدعی کذاب و ای صیرفی قلاب! سی روز ببویی و فراموش کنی و یک ماه بگویی و خاموش شوی. چون من باشی که جز بر یک قدم نپویم و با ده زبان یک سخن نگویم ... بنفشه مطراً با لاله رعنا میگوید: مناز و متاز که تو دل این کار و تن این بار نداری. به بادی از پای درآیی و به آسیبی از جای برآیی. آبی داری و لیکن تابی نداری ... نیلوفر سبز جامه کحلی عمامه، سر از آب برآورده که ای تاریکان بساط خاکی، این چه بی‌باکی است؟! عاشقی نه پیشه شماسست و بیدلی نه اندیشه شما. شما را که قدم در آب نیست از غرق چه خبر و شما را که فرق در آفتاب نیست، از حرق چه اثر؟ ما باری دل بر مهر آفتاب افکنده‌ایم و سپر بر سر آب افکنده» (همان: ۴۸-۴۹). مقامه فی المناظره بین السنّی والملحد: «پیر سنّی چون دلیران از کمین و چون شیران از عرین بیرون جست و گفت: ... ای پیر بی‌تدبیر إنّ أنکر الأصوات لَصوت الحمیر» (همان: ۱۰۰). مقامه بین الطیب والمنجم: «... پس پیر کرمانی برپای خاست و گفت: ای پیر عمر فرسوده و عالم بیهوده، این چه هدیانات مسلسل است و عبارت مسترسل» (همان: ۱۸۵-۱۸۳).

### آرایه‌های موجود در مناظره

هرچند در بیشتر مناظره‌ها، تمام تلاش مناظره‌کننده بر این است که به محتوا بپردازد و به انگیزه‌های آموزشی و... توجه داشته باشد اما گاهی هم اتفاق می‌افتد که طرف مناظره‌گر برای تظاهر و نشان دادن سطح آگاهی خود، سخنانش را با آرایه‌های ادبی زیور میدهد تا تأثیر بیشتری داشته باشد. در مقامه‌های مورد بررسی، آرایه‌های مختلفی دیده شد که نشان از سطح دانش و اطلاعات و توانایی‌های مناظره‌کننده و نویسنده مقامات دارد. از آنجا که «تصویر جوهره اساسی و عامل اصلی تأثیر سخن است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۵)، اوج شکوهمندی و زیبایی تصویر مناظرات مقامه در کلمات و جملاتی است که در لباسی از آرایه‌های کلامی به نمایش درمی‌آیند تا حکمت‌های اخلاقی و اجتماعی زندگی به زیبایی برای مخاطب قربت پیدا کند. به تعبیری نویسنده با بیان معنی دقیق در کلامی دقیق‌ترین معنی و قدرت القایی مناظره را به زبان میبخشد تا تصویر کوتاه مناظره را در

معنی وسیع تربیت به حرکت وادارد. در واقع تصاویر رمزی آرایه‌های موجود در مناظرهٔ مقامه، کارکرد تقریری و توضیحی دارند و در خدمت اندیشه قرار میگیرند و وظیفهٔ آرایش اندیشه را بر دوش میکشند تا تصویری از معرفت حسی و محاکات جهان واقعی و اصل تداعی را در پشت آرایه‌های کلامی، مجال ظهور دهند.

عنصر زیبایی‌مناظره	شاهد مثال
تضمین آیهٔ قرآن	«منجم یونانی در کر و فر میدان و در اثنای دوران و جولان، از نجوم و فلک و سماک و سمک سخن میراند و این آیت از قرآن میخواند: تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا» (همان: ۱۸۱).
تلمیح	«ابلیس تا در اوان جوانی بود، مقبول حضرت بود، چون در زمان پیری شد، مخدول خدمت گشت. آدم تا در مهد بدایت بود، مسجود بود، چون به عهد نهایت رسید، محسود شد. اگر پیری، علت احترام بودی، موسی چهارده روزه دست در محاسن فرعون چهارده ساله نزدی و اگر بزرگتری سبب نجات و رفع درجات بودی، عیسی دوروزه بر تخت نبوت یحیی زکریا ننشستی» (همان: ۳۳).
آوردن امثال فارسی	«ای پیر، از پیرایهٔ پیری مر شکوفهٔ سپیدموی را سنگی نیست و از سرمایهٔ جوانی گل سرخ‌روی را ننگی نه. نشنیده‌ای که از گاو پیر، کشت حنطه و شعر نیاید و ندانسته‌ای که خر پیر، جز علف خوردن را نشاید و جز پشماگند مویش بر ندارد» (همان: ۳۴-۳۳).
آوردن امثال عربی	«حَدَّثَ عَنْ رَجَبٍ وَ لَا عَجَبٍ» از رجب سخن بگویند که شما را حرج و گناهی نیست (همان: ۱۸۵).
آوردن اشعار فارسی	چون نرگس اگر زرت نباشد بر کف / بر پای بایست همچو سوسن در صف (همان: ۴۸).
آوردن اشعار عربی	وَ كَيْفَ يَنَالُ الْبَدْرُ مَنْ هُوَ قَاعِدٌ // وَ كَيْفَ يَرَى النَّسْرَيْنِ مَنْ هُوَ آكِمَةٌ (همان: ۱۸۶).
استفاده از سجع	«پس جوان سربر آورد و گفت: ای پیر شخاذ و ای قلاب استاذ، ای همه زبان لختی گوش باش و چون همه گفتم، ساعتی خاموش باش» (همان: ۳۳).
تشبیه	«گفت ایها الشیخ ... چون ماهی ساعتی خاموش باش و چون صدف لختی گوش. سخن اهل جدال به مناوبهٔ جواب و سؤال نیکو شود؛ و چون بلبل چندین دستان، خود مزین و چون خروس، عاشق خروش خود مباح» (همان: ۹۸).





۱- نمودار بسامد آرایه‌ها و استفاده از شعر در مناظرات مقامات حمیدی

### طرح‌روایی مناظرات

مناظره‌ها در کتاب مقامات حمیدی، ساختار مشخصی دارند؛ وارد شدن راوی به صحنه مناظره در ابتدای امر، به شیوه توصیف است اما روش نتیجه‌گیری مقامه‌ها نسبتاً مشابه هم است. مقامه‌ها یا بدون نتیجه‌گیری به پایان میرسند و یا راوی، برتری یکی از طرفین را بر طرف دیگر اعلام میکند در واقع بدون نیاز به شخص سوم-که داور باشد- مناظره به پایان میرسد و مسائل زندگی در درون متن و همراه با بافت مناظره خود را به روشنی نشان میدهد. مجموعه توصیفات با هم، شکل و هیأت کلی متن را به سمت تربیت مخاطب سوق میدهند و چنین تصوّر میشود که ساختار مشخص مناظره، برای ارزشهای ذاتی و تربیتی وابسته به متن است. محتوای خارج از بافت کلام نیز صرفاً عکسهای خیالی و لحظه‌ای زیبا هستند و به پاره‌هایی از یک جامعه زیبایی میمانند که از هم گسسته و بر اندام متن سایه گسترانیده تا روایت تربیت و آموزش مخاطب در بستری سالم مهیا شود. در این بخش به نمونه‌هایی از ساخت طرح‌روایی مناظره چند مقامه پرداخته میشود.

در این مقامه همانند دیگر مقامات، دوستی ناشناس حکایت را برای راوی تعریف میکند. مقامه این چنین شروع میشود که: دوست راوی به خجند می‌رود و در بازارهای شهر شروع به گردش میکند تا به جایی میرسد که پیر و جوانی را میبیند که با همدیگر مجادله میکنند. پیر ابتدا به سخن گفتن میپردازد و به جوان میگوید که باید احترام پیران را نگه دارد. بعد

مقامه فی الشیب والشباب

<p>از ساکت شدن پیر، جوان به پا میخیزد و پیری را مذمت میکند. بعد از اتمام سخنان جوان، نوبت به سخن گفتن پیر میرسد و جوانی را شعبه‌ای از دیوانگی میداند. بعد از پایان سخنان پیر و جوان، مناظره بدون هیچ نتیجه‌گیری و مشخص شدن برتری یکی بر دیگری، تمام میشود و پیر و جوان با دریافت زر و جامه، مکان را ترک میکنند. «پس چون دلها به آتش جدال بجوشیدند و آن قوم را به ابتدا و انتها به ید استقصا و اقتراح بدوشیدند، خواستنی بخواستند و خود را چون طاووس به زر و جامه بیاراستند و بساط هنگامه درنوشتند و پیر و جوان هر دو برگزشتند» (همان: ۳۶)</p>	
<p>حمیدالدین بلخی مطابق معمول روایت‌پردازی خود، مقامه را با حکایتی آغاز میکند که از زبان دوستش شنیده است. این دوست در فصل بهار در یکی از شهرهای آذربایجان در پای منبر پیری مینشیند و میشنود که او از مردم میخواهد که به خلقت آسمان و زمین و زیبایی‌های طبیعت بنگرند و عبرت بگیرند و خدا را خالق این پدیده‌ها بدانند. حمیدی از قول آن فرد پیر، به توصیف گل‌های بهاری میپردازد که یکی بر دیگری فخر میفروشد و این چنین مناظره شکل میگیرد. البته در این مناظره، هر چند که در ابتدای جملات، نام دو گل می‌آید و خواننده تصور میکند که مناظره و پرسش و پاسخ میان آن دو شکل گرفته است، ولی با خواندن ادامه متن درمی‌یابد که طرف دیگر ساکت است و در طی مفاخره‌پردازی دیگر، از مقام خود دفاع نمیکند و حرفی نمی‌زنند. بعد از اینکه چند گل به برتری مقام خود اشاره کردند، آن فرد پیر توصیف مناظره گلها را تمام میکند و بدون اینکه یکی از طرفین مناظره بر دیگری ترجیح داده شود، او از مخاطبان خود میخواهد که به دیده عبرت در پدیده‌ها نگاه کنند و بدانند همانطور که هر بهار، خزانی را در پی دارد، ترکیب اجزای بدن آدمی هم، در هنگام مرگ و قرار گرفتن در خاک از هم میپاشد. در واقع این مناظره هم بدون نتیجه‌گیری به پایان میرسد و پیر با گرفتن پول از مخاطبان، رو به بیابان مینهد و روایت به پایان میرسد.</p>	<p><b>مقامه فی الربیع</b></p>
<p>داستان پیکار و مناظره سنی و ملحد (عقل‌گرا و نقل‌گرا) از زبان دوستی خیالی نقل شده است که در طول سفر خود به شهر دامغان میرسد و بعد از دو روز اقامت و گردش در بازارهای شهر از افراد مورد اعتماد میشنود که قرار است مناظره‌ای بین دو نفر در حضور مردم صورت بگیرد تا مشخص شود که حق با کدام یک از طرفین است. روز بعد، پیر بلغاری عقل‌گرا و پیر کوهساری نقل‌گرا که ملحد خوانده شده را مینماید. حمیدی در این قسمت به توصیف میپردازد و پوشش و هیأت هر یک از این دو را به تصویر میکشد. پیر بلغاری سیاه‌پوش است و بر الاغی سوار شده درحالی که پیر کوهساری لباس سپیدرنگ بر تن دارد و سوار بر استر</p>	

<p>است. وقتی رویاروی همدیگر قرار میگیرند، ابتدا پیر کوهساری از پیر بلغاری سوال میپرسد و پیر بلغاری را متهم به پرگویی و نادانی میکند. بعد از اتمام سخنان او، پیر سنی که از شنیدن این حرفها عصبانی شده، صدای دشمن خود را انکراالصوات میخواند و به دفاع از عقاید خود میپردازد. سخنان این متکلم عقلگرا باعث میشود که مخاطبان مجلس او را تحسین کنند. مخاطبان در طول مناظره ساکت هستند به طوری که خواننده مقامه، حضور آنها را فراموش میکند و فقط در پایان مقامه است که مخاطبان لب به سخن میکشایند و حرف پیر عقلگرا را تصدیق میکنند. بنابراین حمیدی، بدون آنکه نیاز به فرد سومی داشته باشد که به داوری بین طرفین بپردازد، تلویحاً میگوید که شیخ بلغاری که سنی عقلگرا است در این مناظره، بر شیخ نقلگرا پیروز شده است. «چون بیان شیخ سنی در مدّ و ایجاز به حدّ اعجاز برسید، از چپ و راست تحسین و خروش مستعلمان برآمد و ناله سوختگان مودت و آواز مشتاقان محبت بخاست که جاء الحقّ و زهق الباطل» (همان: ۱۰۲)</p>	<p><b>مقامه فی المناظره بین السنی و الملحد</b></p>
<p>گزارشگر این مقامه نیز مانند دیگر مقامات، شخصیتی خیالی و دوستی ناشناس است که به شهر سرخس میرسد. در حالی که در مسجد آن شهر حضور دارد، به جمعی میرسد که انسان پیر در آن حضور دارند که یکی منجم یونانی است و دیگری طبیب کرمانی. آغازگر این مناظره منجم است که حرفه پزشکی و داروشناسی را تحقیر میکند و سپس با توصیفات فراوان که حدود چهار صفحه از مقامات را دربر گرفته است، به وصف علم نجوم و بزرگداشت آن میپردازد. هنگامی که نوبت سخن گفتن به پیر طبیب میرسد، ابتدا دشمن خود را عالم بیهوده گو میخواند و او را به افلاکی نزدیکتر که همان نفس و وجود آدمی است، رهنمون میسازد. سخنان پیر با خواندن ابیات تمام میشود. بعد از آن منجم یونانی از جای خود بلند میشود و پیر کرمانی را در آغوش میگیرد و میگوید: «ای پیر حکیم و فوق کُلّ ذی علمٍ عَلِیمٌ، این دُر نیکو سفتی و این سخن نیکو گفتی که هر علم را که رواج بود به قدر احتیاج بود و حاجت مردمان بدین علم بیشتر تعلق دارد و بدین حرفت احتیاج زیادتر» (همان: ۱۸۷). بدین ترتیب این مناظره به آشتی ختم میشود و بدون نیاز به داور، پیکار و مجادله دوطرف به پایان می‌رسد و برتری علم طب بر علم نجوم مشخص میشود.</p>	<p><b>مقامه بین الطبیب و المنجم</b></p>

### نتیجه گیری

حمیدالدین بلخی در مقامات، از فنّ مناظره برای بیان هنرمندانه استفاده کرده و به شیوه غیرمستقیم، مسایل اخلاقی، مذهبی، علمی و ... را در اختیار مخاطب قرار داده است؛ یکی از فواید استفاده از این روش، تأثیرگذاری و

جایگیر شدن آن در ذهن خواننده است. شخصیت‌های مناظرات حمیدی دو به دو با هم به بحث می‌پردازند؛ نویسنده با استفاده از شخصیت‌های نمادین و خیالی سعی کرده تا از محدوده معنانشناسی و منطق زبان رها شود و قلمرو معنایی و عاطفی فراتری در جهت تربیت مخاطب بسازد. موضوع مناظرات او، علمی، اخلاقی، مذهبی و تعلیمی است؛ او در این مقامات دست به اطناب و توصیفات گسترده می‌زند. نویسنده مقامات در طی مناظرات، از شگردهای بیانی و بدیعی همچون: «تضمین، تلمیح به شخصیت‌های مذهبی و علمی، آوردن امثال فارسی و عربی، ذکر اشعار عربی و فارسی و بیش از همه آرایه سجع که -نثر کلیه مقامات بر این آرایه مبتنی است-، در جهت اقناع و تأثیر بیشتر کلام بر مخاطب استفاده می‌کند. روش داستان‌پردازی حمیدی در مناظره‌ها یکسان است و در حین مناظره، خواننده با مطالعه توصیفات حمیدی از شخصیت‌ها، آنها را در ذهن خود مجسم می‌کند و بیش از همه به خصوصیات اخلاقی آنها پی می‌برد. پایان مقامات بدون داوری شخص سوم شکل می‌گیرد؛ بدین صورت که یکی از طرفین گفتگو به برتری طرف مقابل اقرار می‌کند و یا اینکه حاضران مجلس درستی ادعای یکی از مناظره‌کنندگان را تصدیق می‌کنند و یا حتی بدون مشخص شدن برتری یکی از طرفین، مقامه به اتمام می‌رسد و نتیجه‌گیری بر عهده خواننده مقامه می‌ماند.

#### مشارکت نویسندگان:

این مقاله با گردآوری داده‌ها و مشارکت آقای دکتر رضایی اردانی و آقای دکتر مهدی صادقی و سرکار خانم مهدیه پیری اردکانی دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد د با عنوان «بازجست ماهیت جدل احسن فنّ مناظره در مقامات حمیدی و آموزش غیرمستقیم سیره عملی زندگی و نمود مستمر تربیتی آن» انجام شده که در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

#### تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان یزد که آنها را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

#### تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی می‌دهند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمام نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده می‌گیرند.

## REFERENCES

### A: Book

- Ahmad, M. (2005). Islamic Education Institution. Tehran: Contemporary view.p. 547-551.
- Balkhi, Qa. (2016), Hamidi authorities. Fifth Edition. Tehran: University Press. p. 37-99
- Porjavadi, N. (2006). Current language in mysticism and Persian literature. Tehran: Hermes. p. 633
- Hojjati, MB. (2008). Ethical teaching and learning in Islam. Print CM. Tehran: Islamic culture. p. 547
- Hosseini-Wasafi, F. (2005). The manner of debates between the prophets and Imam Sadiq (a.s.). Tehran: Amir Kabir. p. 22
- Dad, S. (2006). Dictionary of literary terms. Third edition. Tehran: Pearl.pp. 450-453
- Dekhoda, A. (1998). Dictionary of Dekhoda. second edition. Tehran: University of Tehran.
- Shamisa, S. (2007). Literary types. Tehran: Mitra. p. 230
- Safa, Z. (1992). History of Iranian literature. Tehran: Ferdous. p. 246
- Fatuhi, M. (2007). Image rhetoric. Tehran: Sokhn. p. 45
- Noble, William. (1998). Dialogue writing guide. Translated by Abbas Akbari. Tehran: Soroush. p. 199
- Vaezikashefi, H. (1990). Innovations and poetry industries. Edited by Mirjalaluddin Kazazi. Central Tehran. p. 37

### B: Articles

- Dadkhah, H. and Jamshidi, L. (2007). "Comparative study of dialogue element in Hariri and Hamidi officials", Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University, Volume 26, Number 2, pp. 125-143.
- Dadkhah, H. and Jamshidi, L. (2007). "Examination of the personality of Hariri and Hamidi officials", the journal of the Faculty of Literature and Human Sciences of Shahid Bahonar University of Kerman, new period, number 21 (series 18), pp. 17-44.
- Rizvanian, Q. and Bahmani, A. (2015). "Examination of the narrative structure of the debate in Elahinamah". Textology of Persian literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan. New period, year 8, number 2 (series 30), pp. 61-72.
- Rouzbeh, M. and Zarooni, Q. (2012). "Shafii Kadkani's innovations in the field of debate", Literary Essays, No. 183, pp. 111-134.

- Mohammadi, B. N. and Mahdizadeh, H. (2015). "A reflection on the transformation of the debate from the Asuric tree to Nimai's poems", *Journal of literary arts*, period 8, number 2 (series 15), pp. 179-190.
- Mahdovian, M. and Rahimzadeh K. (2010). "Educational method of debate in Quran and Sunnah", *Minhaj magazine*. Year 6, Number 10, pp. 143-159.
- Nazari, N. (2016). "The Art of Debate in Saadi's Ghazal", *Persian Poetry and Prose Stylistics Quarterly (Bahar Adab)*, Year 10, Number 3 (37 series), pp. 281-296.

### فهرست منابع فارسی

#### الف: کتاب

- احمد، منیرالدین. (۱۳۸۴). *نهاد آموزش اسلامی*. تهران: نگاه معاصر، صص ۵۴۷-۵۵۱.
- بلخی، قاضی حمیدالدین. (۱۳۹۵). *مقامات حمیدی*. چاپ پنجم. تهران: نشر دانشگاه، صص ۹۹-۳۷.
- پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۵). *زبان حال در عرفان و ادبیات فارسی*. تهران: هرمس، ص ۶۳۳.
- حجتی، سیدمحمدباقر. (۱۳۸۷). *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*. چاپ سی‌ام. تهران: فرهنگ اسلامی، ص ۵۴۷.
- حسینی میرصفی، فاطمه. (۱۳۸۴). *شیوه مناظرات انبیاء و امام صادق (ع)*. تهران: امیرکبیر، ص ۲۲.
- داد، سیما. (۱۳۸۵). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چاپ سوم. تهران: مروارید، صص ۴۵۳-۴۵۰.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *انواع ادبی*. تهران: میترا، ص ۲۳۰.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۱). *تاریخ ادبیات ایران*. تهران: فردوس، ص ۲۴۶.
- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن، ص ۴۵.
- نوبل، ویلیام. (۱۳۷۷). *راهنمای نگارش گفتگو*. ترجمه عباس اکبری. تهران: سروش، ص ۱۹۹.
- واعظی کاشفی، حسین. (۱۳۶۹). *بدایع الافکار و صنایع الاشعار*. ویرایش میرجلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز، ص ۳۷.

#### ب: مقالات

- دادخواه، حسن. و جمشیدی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی عنصر گفتگو در مقامات حریری و حمیدی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۶، شماره ۲، صص ۱۴۳-۱۲۵.
- دادخواه، حسن. و جمشیدی، لیلا. (۱۳۸۶). بررسی شخصیت در مقامات حریری و حمیدی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*، دوره جدید، شماره ۲۱ (پیاپی ۱۸)، صص ۴۴-۱۷.
- رضوانیان، قدسیه. و بهمنی، امیرحسین. (۱۳۹۵). بررسی طرح‌روایی مناظره در الهی‌نامه. *متن‌شناسی ادب فارسی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره جدید، سال ۸، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، صص ۷۲-۶۱.
- روزبه، محمدرضا. و ضرونی، قدرت‌الله. (۱۳۹۲). نوآوری‌های شفیعی کدکنی در عرصه مناظره‌سرایی. *جستارهای ادبی*، شماره ۱۸۳، صص ۱۳۴-۱۱۱.

- محمدی بدر، نرگس. و مهدی‌زاده، هاشم. (۱۳۹۵). تأملی در تحوّل مناظره از درخت آسوریک تا اشعار نیمایی. *مجله فنون ادبی*، دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۵)، صص ۱۷۹-۱۹۰.
- مهدویان، محبوب. و رحیم‌زاده کبری. (۱۳۸۹). شیوه آموزشی مناظره در قرآن و سنت. *مجله منهایج*. سال ۶، شماره ۱۰، صص ۱۵۹-۱۴۳.
- نظری، نجمه. (۱۳۹۶). هنر مناظره در غزل سعدی. *فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال ۱۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۷)، صص ۲۹۶-۲۸۱.

#### معرفی نویسندگان

- فضل‌الله رضایی اردانی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول: Email: [rezaei.ardani@cfu.ac.ir](mailto:rezaei.ardani@cfu.ac.ir))
- مهدی صادقی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
(Email: [mahdisadeghi2121@yahoo.com](mailto:mahdisadeghi2121@yahoo.com))
- مهدیه پیری اردکانی:** دبیر آموزش و پرورش و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.  
(Email: [mahdieh.piri69@yahoo.com](mailto:mahdieh.piri69@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

- Fazlollah Rezaei Ardani:** Assistant Professor of the Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.  
(Email: [rezaei.ardani@cfu.ac.ir](mailto:rezaei.ardani@cfu.ac.ir): Responsible author)
- Mehdi Sadeghi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran  
(Email: [mahdisadeghi2121@yahoo.com](mailto:mahdisadeghi2121@yahoo.com))
- Mahdieh Piri Ardakani:** Secretary of Education and PhD student of Persian language and literature, Yazd University, Yazd, Iran.  
(Email: [mahdieh.piri69@yahoo.com](mailto:mahdieh.piri69@yahoo.com))